

The rights of bisexual people in Iran and its legal gaps

Abstract

The purpose of this study is to examine the rights of neutral or bisexual people, the status and legislative support of these minorities in the law. Based on this, the goals of this article can be stated as follows: In general, we should have an insight into the rights of these people and finally express the legislative gaps and support for these people. Therefore, in relation to this important, the present study has been done analytically-descriptively. With these descriptions, the results show: Although the issue of bisexuality is taboo in Iranian society and the social rights of these people are denied amid the concealment of their gender, but in some rights of these people, including inheritance and scattered, will, retribution. , Diyat, etc. have been explained and studied in jurisprudence. What is stated in jurisprudence and can be analyzed according to it in the law, is that the gender of a man or a woman belongs in a neutral or apparent neutrality. But a serious challenge, especially in financial law (inheritance, blood money, will, etc.) is neutral to neutral. This is while the jurists unanimously reject the problem of neutral marriage and consider it haram. Based on these results, bisexual minorities have problems in the Iranian legal system as well as socially (such as non-acceptance of this situation due to the traditional and religious form of society) and legally (such as complex administrative bureaucracy), as well as the cost of treatment. . It seems that the support of the law and the legislator in this field will be more dominant and colorful.

Keywords:

حقوق افراد دو جنسیتی در ایران و خلاهای قانونی آن

سوفیا دیوسالار مهاجر^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷بیت اله دیوسالار^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷فخراله ملایی کندلوس^۳

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی حقوق حاکم بر افراد ختنی یا دو جنسیتی، جایگاه و سهم حمایتی تقنینی از این اقلیت‌ها در قانون است. بر این اساس می‌توان اهداف این مقاله را اینگونه بیان کرد که: به طور کلی سیری در حقوق این اشخاص داشته باشیم و در نهایت خلاءهای تقنینی و حمایتی از این افراد را بیان نماییم. بنابراین در رابطه با این مهم، مطالعه حاضر به صورت تحلیلی-توصیفی انجام پذیرفته است. با این اوصاف نتایج نشان می‌دهد: موضوع دو جنسیتی هر چند در جامعه ایران به شکلی تابو بوده و حقوق اجتماعی این افراد در میان کتمان جنسیتشان نفی می‌گردد، اما در برخی حقوق این اشخاص از جمله ارث و به صورت پراکنده، وصیت، قصاص، دیات و ... در فقه تشریح و بررسی شده است. آنچه در فقه آمده و به تأسی از آن در قانون می‌توان واکاوی کرد، تعلق جنسیت مرد و یا زن در ختنی غیر مشکل و یا ظاهر است. اما چالش جدی به ویژه در حقوق مالی (ارث، دیه، وصیت و ...) ختنی مشکل می‌باشد. این در حالی است که فقها در خصوص ازدواج ختنی مشکل بالاتفاق آن را رد نموده و حرام می‌دانند. پس بر اساس این نتایج اقلیت‌های دو جنسیتی در نظام حقوقی ایران و همچنین از نظر اجتماعی (مثل عدم قبول این وضعیت به واسطه شکل سنتی و دینی جامعه) و از نظر قانونی (مثل بوروکراسی اداری پیچیده)، و نیز هزینه معالجه دارای مشکلاتی هستند. که به نظر می‌رسد حمایت قانون و قانونگذار در این عرصه غالب تر و پر رنگ تر باید جلوه کند.

واژگان کلیدی:

ختنی ظاهر؛ ختنی مشکل؛ حقوق مالی؛ ارث

^۱ دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

^۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

عدالت جنسیتی عبارتی است که در بازخورد با جامعه مرد سالار از یک سو و قوانین قیم مآبانه در حوزه های خانواده انگشت به سمت زن برده و وی را در تبعیض جنسیتی رها می کند. این قوانین و جامعه وقتی با فردی مواجه می گردد که از نظر بدنی و نیز روحی نمی تواند تطابقی با حد متعارف (مرد یا زن بودن) پیدا کند، مغرضانه بدون توجه به ماهیت الهی و بخش روحانی وی که اصل و اساس می باشد، وی را قضاوت می کند. همین قضاوت موجب می گردد که این شخص در اقلیت قرار گرفته و عملاً قرارداد اجتماعی علیه وی تنظیم گردد. این قرارداد می تواند در بازخورد با حقوقی باشد که برای شخص تکلیف ایجاد می کند و یا حتی حقی را در نظر می گیرد.

از طرفی جنسیت یکی از عوامل موثر در شمول احکام تکلیفی و وضعی است و هر فرد با توجه به جنسیتی که دارد علاوه بر احکام عام و همه شمول مخاطب دسته هایی از احکام اختصاصی قرار می گیرد. علاوه بر این احکام تکلیفی، مبانی حقوقی و فقهی نیز چشم اندازی از جنسیت را ترسیم می کند که به نظر در انجام و احراز حقوق و تکالیف موضوعیت دارد. بنابراین پرداختن به مساله آثار فقهی و سپس حقوقی دو جنسیتی ها از ضروریات مباحث فقهی-حقوقی عصر حاضر در جامعه ما می باشد. در تبیین بحث باید بیان کرد افرادی که هم زمان مذکر و مونث باشند در فقه و فردی که به طور کلی یا جزئی اندام های تناسلی مردانه و زنانه داشته باشند در علم پزشکی دو جنسیتی محسوب می شوند و حقوقی مانند نکاح، ارث، حدود، شهادت، قصاص و دیات و غیره برای آنها به شکل متفاوتی از افراد وجود دارد. حتی حساسیت موضوع به قدری است که در برخی جرائم که بزه دیده مشخص است (مثل زنا) تشخیص بزه دیده چالش برانگیز است.

به هر حال پدیده خنثی، پدیده نو ظهور و جدیدی محسوب نمی شود. از گذشته تا کنون جوامع انسانی، کم و بیش با این گونه افراد مواجه بوده است. در برخی روایات اسلامی و منابع فقهی اسلام به این گونه افراد اشاره شده، و احکام فقهی آنان مانند ارث بیان شده است. می توان گفت بیشترین بحث فقهی این عده در « کتاب ارث» از کتب فقهی، مورد بررسی قرار گرفته است. اما اینکه دیگر احکام و به تبع آن تکالیف و حتی حقوق اجتماعی آنها مورد توجه بوده و در قوانین مورد توجه می باشد یا خیر؟ باید پاسخی منفی داد. چرا که فرض خنثی در قوانین استثنایی است که در برخی از مصادیق به نظر از قلم افتاده است. به عبارت دیگر هر نقطه از احکام که با حقوق عرفی بر سر برابری و یا عدالت جنسیتی چالش وجود دارد، می توان این چالش را در بازخورد با خنثی به مراتب شدید تر و گسترده تر یافت. بنابراین به نظر بررسی همه جانبه در موضوعات حقوقی مختلف در این فرایند نه تنها مهم که ضروری باشد.

به هر حال به نظر می رسد تا وقتی جامعه این قشر اقلیت را جدی نگرفته و آنها را قبول نکند، مقررات و حقوق آنها در همان کتاب ارث باقی می ماند و در بازخورد با دیگر حقوق اجتماعی، جامعه باید سکوت کند و یا به قاعده عامی رجوع کند که به واقع نمی تواند پاسخگوی این موضوع جدی، چالش برانگیز و مهم باشد. بنابراین برای رهایی از چالش خلاء تقنین در حوزه دوجنسه ای بایست اراده قانونگذار بر احراز حقوق این طیف از جامعه بر اساس معیار های عرفی (نیاز های روز جامعه با صبغه ای امروزی فارغ از تنگ نظری های سنتی) و با تأسی از مبانی فقهی تنظیم و تنسيق گردد. این مقاله به چالش های جدی در زمینه دوجنسه ها و حقوقی که آنها به هیچ وجه در جامعه نمی توانند از آن بهره مند باشند، می پردازد.

۱- کلیات

۱-۱- مفهوم جنسیت

معادل انگلیسی جنسیت (جندر)* منسوب به قرن چهاردهم میلادی است. این اصطلاح از واژه قدیمی **genre** در فرانسه (که امروز به صورت **genre** درآمده) برگرفته شده و هردوی آنها در واژه لاتینی ژینوس[†] ریشه دارند که از نظر لغوی نوع، گونه، اصل و نژاد معنا می‌دهد. (دودانگه، ۱۳۹۵) در فرهنگ فارسی معین (معین، ۱۳۹۴: ۴۹۷) این واژه به دو معنا: نخست؛ چگونگی جنس؛ دیگر: زن یا مرد بودن افراد؛ معنا شده است. این واژه در فرهنگ فارسی عمید (عمید، ۱۳۹۳: ۵۱۹) (اسم مصدر) [عربی: جنسیه] هم جنس بودن؛ نر یا ماده بودن؛ معنا شده است. همانطور که می‌توان از مفهوم جنسیت در فرهنگ های لغت استنباط کرد، واژه ای است برای بیان تعیین جنسیت مرد و زن، بیان نوع و گونه.

جان مانی، سکسولوژیست، تمایز واژگانی بین رابطه جنسی و جنسیت را به عنوان یک نقش در سال ۱۹۵۵ تعریف کرد. پیش از کار او، واژه جنسیت تنها برای جنس دستوری در زبان‌شناسی به کار می‌رفت. با این حال معنای جدید این واژه تا دهه ۱۹۷۰ استفاده نمی‌شد، در این زمان جنبش فمینیسم تمایز بین رابطه جنسی و جنسیت (ساختار اجتماعی) را پذیرفت. امروزه این تمایز در برخی حوزه‌ها، به ویژه علوم اجتماعی و اسنادی که توسط سازمان جهانی بهداشت نوشته شده‌اند، رعایت می‌شود.

در شرح بیان مفهوم شناسی بهتر اصطلاح جنسیت، می‌توان این اصطلاح را در کنار اصطلاحاتی چون جنس (sex) مورد تدقیق قرار داد.

بنابراین تفاوت این دو واژه (sex و gender) در پایگاه رسمی سازمان بهداشت جهانی (WHO) علاوه بر اینکه تمایز میان ماهیت بیولوژیکی رابطه جنسی و ماهیت اجتماعی و رفتاری جنسیت را ذکر کرده، دو اصطلاح مرد و زن را مرتبط با جنس و دو اصطلاح مردانگی و زنانگی را مرتبط با جنسیت دانسته است؛ و تاکید می‌کند که ویژگی‌های مرتبط با رابطه جنسی در جوامع مختلف تفاوت عمده‌ای با یکدیگر ندارد، چنان که زنان در همه جوامع سیکل ماهانه دارند یا از قابلیت شیردهی به نوزادشان را دارند. در حالی که مردان چنین مشخصاتی نداشته، یا این که مردان عموماً استخوان‌بندی درشت‌تری نسبت به زنان دارند؛ در مقابل ویژگی‌ها و ابعاد جنسیت از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت بسیاری دارد و از جمله مثال‌هایی که برای شرح این تفاوت ذکر شده عبارتند از: در ایالات متحده زنان شاغل عمدتاً حقوق کمتری از هم‌تایان مرد خود می‌گیرند یا این که در عربستان مردان اجازه رانندگی دارند و زنان چنین مجوزی ندارند.

سیمون دوبوار از منظر جامعه‌شناختی جنسیت را تماماً نتیجه فرایند اجتماعی شدن فرد می‌پنداشت و او را در بدو تولد واجد جنسیت نمی‌دانست. در حالی که آنتونی گیدنز در کتاب «جامعه‌شناسی» خود در فصل «جنسیت و تمایل جنسی» ضمن ارائه نظریات متضادی که در این باره وجود دارد، نهایتاً بازشناسی این موضوع را که ویژگی‌های زنانه و مردانه منشا زیستی دارد یا اجتماعی دشوار می‌داند. با این وجود گیدنز (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۶) نیز بر نقش یادگیری اجتماعی در ایجاد هویت جنسیتی در فرد

* - gender

† - genus

تاکید زیادی دارد و حتی درباره ویژگی‌های جسمی زنان و مردان این فرضیه را طرح می‌کند که عضلانی بودن و توان جسمانی بیشتر مردان، احتمالاً بیش از آن که نتیجه تفاوت بیولوژیکیشان با زنان باشد، حاصل تمریناتی است که بدن آن‌ها را فعال می‌کند. ماری هولمز (هولمز، ۱۳۸۹: ۲۳) نیز در فصل اول کتاب خود با عنوان «جنسیت و زندگی روزمره» با رویکردی مشابه، ضمن تأیید تفاوت بیولوژیک میان زن و مرد و نیازهای متفاوتشان، جنسیت را بیشتر یک برساخته اجتماعی و حاصل بزرگنمایی در تفاوت‌های جسمانی زنان و مردان می‌داند؛ او با آوردن نمونه‌های تاریخی درباره باورهایی که در یونان قدیم، انگلستان عهد ویکتوریا و ... درباره زنان و توان جسمانی‌شان ترویج می‌شده (برای مثال تاثیر زایمان و باروری بر زوال عقل، یا منع زنان از فعالیت‌های عمومی به بهانه احتمال جابجایی رحم و ...) نشان می‌دهد که ویژگی‌های رفتاری زنان و مردان تنها متأثر از خصائل زیستی‌شان نیست.... درباره این تفاوت در نوشتارهای آتی بیشتر بحث شده و از دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی چون جودیت باتلر، آن فوستو-استرلینگ و ... بهره گرفته خواهد شد. (دودانگه، ۱۳۹۵).

به هر حال به نظر می‌رسد با توجه به تعاریف فوق، جنسیت بعد اجتماعی انسان محسوب می‌گردد. افراد تمایل دارند که جنسیت را به عنوان نتیجه پرورش فکر در نظر گیرند، به عنوان منشأیی اجتماعی و از این رو روح و روان، در فرایند نمود جنسیت تأثیر دارد. در نهایت باید افزود هیچ دلیلی نمی‌توان عنوان کرد که جنس از بین برود و جنسیت شروع شود، به عبارت دیگر علاوه بر اینکه این دو متمایز از هم هستند مکمل همدیگر نیز بوده و می‌توان هر دو را در کنار هم فرض نمود.

۲-۱- مفهوم خنتی در گونه‌های مختلف (از منظر فقه و قانون)

دوجنسه بودن به معنای خاص آن حالتی ویژه و غیر معمول است که فرد در زمان تولد نشانه‌های جسمی هر دو جنسیت مرد و زن را به یک میزانی دارد. خنتی از نظر فقه و لغت دارای دو مصداق است: مصداق اول، کسانی اند که دارای هر دو آلت زنانه و مردانه می‌باشند. مصداق دوم، کسانی اند که هیچ کدام از دو آلت را ندارند که به این افراد، «ممسوح» نیز می‌گویند. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۶: ۷۷)

هرمافرودیت یا دوجنسیتی که از نام اساطیری هرمافرودیته آمده است، جانوری می‌باشد که هم ماده و هم نر است. مانند: حلزونها، شته‌ها و کرم خاکی. در انسان بر خلاف موجودات فوق که دو جنسی بودن طبیعی است یک اختلال جنسی است. با این حال از نظر فیزیکی می‌توان انواع هرمافرودیسیم را به شرح ذیل بیان کرد:

هرمافرودیسیم (دوجنسی) کاذب مونث: بیمار از نظر کروموزومی و ژنی مونث است. اما ظاهری مردانه دارد. ممکن است میزان مردانه شدن خفیف بوده و فقط کلیتوریس کمی بزرگ باشد، و یا در بعضی موارد به صورت آلت تناسلی مردانه همراه با اسکروتوم به هم پیوسته دارای رافه و پیشابراه آلتی تظاهر کند. هرمافرودیسیم (دوجنسی) کاذب مذکر: بیمار از نظر ژنی، مذکر است. اما آلت تناسلی اش کوچک است و دارای درجات مختلفی از هیپوسپادیاس (دهانه پیشاب راه در میان دوراه یا در زیر آلت) و چسبندگی در سطح شکمی یا فالوس خم شدن آلت به سمت پائین* است. ممکن است نهان بیضگی* یک‌طرفه یا اغلب دو طرفه نیز وجود داشته باشد. باید به دقت در چین‌های لابیو اسکروتال یا کانال اینگوانال به دنبال بیضه‌ها (گنادها) گشت.

* - chordee

پدیده ختنی، پدیده جدید و نو ظهور محسوب نمی شود. از زمان های گذشته جوامع انسانی، بصورت کم و بیش با این افراد روبرو بوده اند. در برخی منابع فقهی اسلام و روایات اسلامی به این افراد اشاره شده، و بعضی احکام فقهی آنان از جمله ارث ذکر شده است. می توان گفت بیشترین بحث فقهی در «کتاب ارث» از کتب فقهی، انجام شده است. ختنی، در میان فقیهان بصورت یکسان تعریف نشده است، ولی با توجه به مصادیق خارجی و شواهد آن می توان بیان کرد: ختنی عبارت است از فردی که دو آلت تناسلی دارد، و یا از اساس فاقد آلت تناسلی است. در کتاب «جامع عباسی» چنین گفته شده: ختنی شخصی است که هم فرج زن و هم آلت مرد دارد البته به نظر می رسد که تعریف ذکر شده ناقص باشد؛ چونکه فردی که هیچ نوع آلت تناسلی زنانه یا مردانه نداشته باشد، ختنی محسوب می شود. (کریمی نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۴)

۲- حقوق افراد دو جنسیتی در ایران

در ایران قانونی جهت رسمیت شناختن افراد دو جنسی و فراجنسی وجود ندارد، هرچند که افراد فراجنس و دو جنسی وجودشان غیرقابل انکار است، الهایه دولت و سازمانهای دولتی و نهادهای مدنی در خصوص هزینه عمل جراحی افراد دو جنسی و فراجنسی را تقبل می نمایند. در این راستا دولت و سازمانهای دولتی، علی الخصوص، سازمان بهزیستی در قالب منابع حمایتی دیگر، نسبت به پرداخت هزینه از محل منابع افراد مستمند و نیازمند، این قبیل افراد را تحت پوشش عمل جراحی تغییر جنسیت قرار می دهند. ولی نهادهای مدنی بیشتر از دولت نسبت به پرداخت هزینه عمل جراحی افراد دو جنسی و فراجنس جامعه عمل می پوشانند. خلا قانون حمایتی در حقوق ایران، موجب شده است که این قشر از جامعه طرد شوند و نیاز توجه قانونگذار به این افراد، کاملاً مشهود است. در ذیل به حقوق مختلفی که به صورت پراکنده به موجب فقه در این خصوص وجود دارد و به تبع آن در قوانین کشور نیز آمده است می پردازیم.

۲-۱- حقوق مدنی دو جنسه ها

۲-۱-۱- نکاح

باب نکاح یکی از ابواب مهم فقهی است که در آن بحث از احکام ختنی را می توان مشاهده نمود. شاید فلسفه ورود احکام ختنی در باب نکاح موضوعیت ختنی مشکل است که فقهای از جمله شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۳۷۹: ۲۴۳) آن را حرام دانسته اند. به هر حال در بازخورد با احکام نکاح و ختنی دو موضوع مد نظر است. نخست اینکه ازدواج ختنی چه ابعاد و آثاری را از منظر بطلان و یا صحت عقد دارد. دیگر موضوع در صورت انعقاد عقد نکاح ختنی با شخصی دیگر، وی حق فسخ دارد و یا ابزارهای حقوقی دیگری نیز می بایست در این خصوص اعمال نماید. واقعیت این است؛ همانطور که ختنی را در یک تقسیم بندی می-توان به ختنی مشکل و غیر مشکل تفکیک کرد. براساس همین تقسیم بندی نیز می بایست موضوع مطروحه (نکاح ختنی) را مورد بررسی قرار دهیم.

برای تبیین بحث نظریات برخی فقها را مورد بررسی قرار می دهیم:

نخست اینکه علامه حلی در کتاب جامع الشرایع در این زمینه صراحتاً بیان می کند: «و یحرم الختنی المشکل» (یحیی بن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۴۲۸). همین نظریه در کتاب مسالک تحت عنوان «أما لو كان مشکلا تبین فساد النکاح» آمده است. (شهید ثانی،

۱۴۱۳، ج ۸: ۱۰۹) صاحب جواهر عقیده خود را در کتاب جواهر بدین نحو بیان فرموده است: «أما لو فرض كونه مشكلا فالنكاح باطل من أصله، لعدم العلم بحصول شرطه، فالأصل بقاء البضع بحاله، و ما وقع من الشيخ في المواريث- من أن للزوج إذا كان كذلك نصف النصيبين- سهو من القلم، والله العالم». (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۳۰؛ ۳۳۰): بنابراین آنچه می توان از فحوای کلام فقها به شرح آنچه آمد ادعا کرد حرمت ازدواج با ختنی مشکل است. چرا که همان طور که در ادله فقها مشخص است، در ختنی مشکل نمی توان مرز زن و مرد را که در نکاح موضوعیت دارد، مشخص نمود.

دومین نوع از ختنی را می توان ختنی غیر مشکل دانست که با توجه به آرای فقها که در ذیل می آید به نظر رأی بر عدم حرمت آن دارند. چرا که معتقدند در ختنی غیر مشکل نکاح هر یک بسته به نوع جنسیت غالب با جنس مخالف ایرادی ندارد. در تبیین آنچه ادعا شد باید بیان کرد: مرحوم شیخ طوسی (ره) در کتاب «خلاف» بیان می کند: هرگاه فردی ختنی که به مرد بودنش حکم داده شود، با زنی ازدواج کند؛ آن زن به واسطه آن عیب حق فسخ ندارد. همچنین اگر مردی با خنثایی ازدواج کند که حکم به زن بودن او داده اند، آن مرد بواسطه این عیب حق فسخ ندارد. (ابو جعفر طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴؛ ۳۴۸) این عقیده بیان ابراز می کند که عدم حرمت ازدواج ختنی به دلیل جنسیت غالب ختنی می باشد. شیخ (ره) در کتاب مبسوط به تفصیل حکم این مسأله را آورده است که بدین شرح می باشد:

فرض نخست در صورتی است که زوجه با شخصی عقد نکاح منعقد کند که بداند ختنی با جنسیت غالب مرد است. در این حالت زوجه، اختیار فسخ ندارد.

دومین فرض زمانی است که زوج با آگاهی به وضعیت زوجه (که ختنی می باشد) با او ازدواج می کند: در این حالت نیز زوج اختیار فسخ ندارد.

فرض سوم نیز وقتی است که زوج و یا زوجه در خصوص اینکه طرف مقابل ختنی می باشد، جهل داشته باشند. در این حالت دو نظر وجود دارد بعضی برای زوجه قائل به خیار هستند و عده‌ای برای زوجه چنین حقی قائل نمی شوند. شیخ (ره) در این قسمت از کتاب نظری نمی دهد اما در جای دیگری می فرماید: اقوی وجود حق خیار برای زوجه می باشد. (ابو جعفر طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۲۶۳) اگر چه در کتاب خلاف، عدم وجود خیار را اقوی شمرده است.

۲-۲-۲- وصیت برای ختنی: معیار و ضوابط

در وصیت سه نقش برای انسان وجود دارد و ممکن است هر فرد انسانی یکی از این سه نقش را ایفاء کند. این سه نقش عبارت است از وصیت کننده یعنی؛ موصی؛ شخصی که وصیت برای وی می باشد یعنی؛ موصی له و در نهایت وصی که در قالب وصیت عهدی عهده دار وظایفی از سوی وصی خواهد بود. بنابراین هر فرد می تواند نسبت به ثلث اموال خود وصیت کند. این در حالی است که جنسیت موصی اثری در حق او ندارد لذا چون ختنی نیز یک فرد انسانی است مسئله ای در این زمینه وجود ندارد اما در صورتی که ختنی اعم از ظاهر مشکل موصی له یا وصی باشد قضیه متفاوت بوده و بایست بررسی گردد.

در فرضی که وصیت تملیکی برای موصی له ختنی در نظر گرفته شود بایست به این شرح بررسی گردد؛

مطابق ماده ۸۲۶ قانون مدنی «وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند، کسی که وصیت تملیکی به نفع او شده است موصی له .. نامیده می شود.»

وقتی موصی له ختنی باشد دو فرض قابل بحث و بررسی است:

نخست؛ صورتی که در وصیت تملیکی موصی به طور مطلق (اعم از اینکه در وصیت به خنثی بودن شخصی موصی له علم داشته یا نداشته باشد) به نفع شخص خنثی وصیت کند که در این صورت خنثی طبق نظر موصی از موصی به پس از فوت موصی بهره مند می شود. مثلاً بگوید فلان مال را به برادرزاده ام بدهید. که در این صورت صرف برادرزاده بودن برای موصی له قرار گرفتن کافی است و جنسیت او اثر ندارد.

فرض دوم وقتی است که در وصیت تملیکی موصی با توجه به جنسیت وصیت کند. مثلاً برای حمل وصیت کند و بگوید اگر حمل دختر بود فلان مقدار و اگر پسر بود فلان مقدار از وصیت به او برسد. حال اگر موصی له خنثی باشد در این نیز به دلیل پذیرش یا عدم پذیرش طبیعت ثالث بودن خنثی می تواند موضوع چالش برانگیز بوده و جهت بررسی متوقف گردد.

پس هرگاه شخص برای حمل وصیت کند که مثلاً هرگاه فرزند مذکر به دنیا آمده باشد؛ صد دینار به او برسد و اگر مونث به دنیا بیاید پنجاه دینار به او برسد. در صورت متولد شدن فرزند با طبیعتی خنثی، حکم متوقف می گردد تا وضعیت و جنسیت شخص مزبور مشخص گردد. حال اگر جنسیت بچه مشخص شد بر اساس آن عمل می شود، یعنی در صورت مذکر بودن به وصیت مذکر عمل می شود و در صورت مونث بودن نیز به وصیت مونث عمل می گردد. این در حالی است که وقتی جنسیت بچه مشخص نشود (خنثی مشکل باشد) حکم وصیت بر اساس قرعه تعیین می شود.

حالت دیگر اعطای حداقل مورد وصیت به خنثی می باشد. بر طبق این نظر وقتی حمل به صورت خنثی متولد شود، باید حداقل مورد وصیت به او داده شود، زیرا قدر متیقن بین پسر و دختر همان کمترین سهم وضع شده می باشد که در صورت مسئله همان سهم دختر می باشد، چون خنثای مشکل طبیعت ثالثه نیست و یکی از دو صنف زن یا مرد است و مازاد سهم متیقن بین سایرین تقسیم می شود. (ابن براج، ج ۲؛ ۲۱۱؛ ۲؛ شهید ثانی، ج ۶؛ ۱۹۳)

عدم استحقاق خنثی از مورد وصیت نیز فرضی است که در صورت خنثی بودن شخص مزبور مطرح می گردد. این دسته از فقها مبنای نظر خود را منطبق با این نظریه قرار می دهند که: خنثی طبیعت ثالثه می باشد و غیر از پسر یا دختر است پس سهمی از موصی نیز دریافت نمی کند و مورد وصیت باید بین سایرین فارغ از سهم خنثی تقسیم شود. چرا که موصی برای دختر و یا پسر وصیت کرده نه شخصی فراتر از پسر و دختر. به نظر می رسد که این نظر، نظری ضعیف است زیرا محروم کردن طفل احتیاج به دلیل دارد که در اینجا وجود ندارد. (حسینی شیرازی، ج ۶۱؛ ۲۹۲)

فرضی دیگر که در بازخورد با وصیت و خنثی می توان مطرح کرد و به نظر طرفدارانی دارد؛ تنصیف سهم پسر و دختر می باشد. بنابراین اکثریت فقهای شیعه معتقدند که وصیت بر خنثای مشکل مانند ارث او می باشد و به موصی له خنثی، نصف مجموع سهم پسر و دختر از موصی به او اعطا می شود و مبنای نظر این گروه استدلال مذکور در بحث ارث خنثی می باشد. (نجفی، ۱۳۹۰، ج ۲۹؛ ۴۴۹)

در نهایت نیز فرضی دائر مدار این حقیقت است که تفسیر نظر موصی باید جاری گردد. پس باید منظور و مقصود موصی از تفاوت قائل شدن بین دختر و پسر معلوم شود. اگر مراد موصی اعطای سهم به فرزند مذکر و مونث طبیعی و سالم باشد چیزی به خنثی نخواهد رسید زیرا در مقابل آنها قرار می گیرد و به تعبیری شخصی به وجود آمده در حالت متعارف و عادی نه دختر است

و نه پسر. لذا با شک در شمول وصیت بر خنثی و نیز جریان اصل عدم در این قضیه، سهمی به خنثی نمی رسد. اما چنانچه مراد موصی طبیعی و سالم بودن طفل نباشد بر اساس قرعه یا تنصیف سهم عمل می شود. (حسینی شیرازی، ج ۶۱؛ ۲۹۲)

با توجه به آنچه بیان شد و نیز نظر به مواد قانون مدنی در می یابیم که از جهت شرایط عمومی مرد یا زن بودن و به طور کلی جنسیت فرد تأثیری در وصی قرار گرفتن ندارد. و هر انسانی می تواند به عنوان وصی انتخاب شود به شرط اینکه اهلیت استیفاء داشته باشد. اما اگر موصی از خنثی بودن وصی مطلع نبوده و تفسیر وصیت او نیز کاشف از این باشد که جنسیت خاصی برای وصی مد نظر او بوده است مثلاً می خواسته که نسبت به سرپرستی دختران صغیرش خانمی را وصی قرار دهد به نظر می رسد چه در مورد خنثی ظاهر و چه در خصوص خنثی مشکل، فرد خنثی حقی در عمل به وصیت ندارد و وصیت باطل است.

۳-۲-۲- ارت

اگر چه در فقه و نیز قانون مواردی چون نکاح و وصیت و دیگر حقوق خنثی را باید به صورت پراکنده در نظرات مورد واکاوی قرار داد، اما ارت موضوعی است که هم در فقه و به تأسی از آن در عرف قانون می توان در مورد خنثی مشاهده نمود و مقرراتی را در خصوص آن در نظر گرفت.

در خصوص سهم الارث خنثی مشکل قانون مدنی در قسمت اخیر ماده ۹۳۹ اشعار می دارد: «... و اگر هیچیک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد». (حائری شاه باغ؛ ۸۲۳ و ۸۲۴)

طریقه تسهیم و تعیین سهم خنثی را می توان به این شرح بیان کرد:

نخست؛ اگر میت دارای یک پسر و یک دختر و یک خنثی باشد ترکه به ۹ سهم تقسیم می شود، عدد ۱ که خارج قسمت است به عدد ۲ ضرب، این رقم سهم دختر خواهد بود، و عدد ۱ ضرب در ۴ می شود، این عدد سهم پسر خواهد شد، و نصف سهم دختر که ۱ است و نصف سهم پسر که ۲ می باشد جمعاً ۳ سهم خنثی است و جمع اعداد ۹ خواهد شد، و بالتیجه سهم خنثی از دختر بیشتر و از پسر کمتر خواهد بود.

دومین نوع تسهیم در این زمینه صورتی است که یک پسر باشد و یک خنثی؛ ترکه به ۷ تقسیم می شود ۴ سهم پسر و سه سهم خنثی می شود. ۳- اگر یک دختر باشد و یک خنثی ترکه به واحد تقسیم می شود. ۲ سهم دختر و ۳ سهم خنثی و به همین قیاس باید ترکه تقسیم گردد. اگر مولود نه دارای علامت ذکور باشد و نه اناث فقهاء در چنین صورتی به قرعه تعیین می کنند. به این طریق - در دو ورق یک اسم فرزند ذکور نوشته می شود، مثلاً (حسن) و در دیگری اسم زن نوشته می شود، مثلاً (فاطمه) و آن دو ورق را در اوراق سفید مخلوط می کنند به طوری که هیچ امتیازی بین اوراق نوشته و سفید نباشد سپس اوراق برداشته می شود و اگر اولین اسم پسر باشد ذکر است و اگر اولین اسمی که استخراج شد اسم دختر باشد دختر است و سهم الارث آنها معین می شود» (حائری شاه باغ؛ ص ۸۲۳ و ۸۲۴)

۲-۲- شرایط بزه و بزه دیدگی در بازخورد با دو جنسیتی

۲-۲-۱- خنثی به عنوان مجرم

در این زمینه، ابتدا از جرائم به حدود و جرم زنا می پردازیم. همانطور که می دانیم، قانونگذار مرتکبین جرم زنا را عبارت از (مرد و زن بودن) مقید نموده، پس برای تحقق زنا حتماً باید یکی از طرفین مرد و دیگری زن باشد و آلت تناسلی نیز باید آلت تناسلی اصلی باشد. چرا که اگر دخول با آلت تناسلی غیر اصلی انجام گیرد، زنا نمی باشد.

از این رو چنانچه مردی با فرد خنثی یا دو جنسی از دبر مجامعت نماید عمل ارتكابی طرفین از شمول مقررات مربوط به زنا خارج خواهد بود، و یا به عبارتی اگر چنانچه مردی با خنثی که ملحق به مرد است از قُبُل مجامعت نماید، نیز از شمول مقررات زنا خارج خواهد شد. چرا که فرج در خنثای مذکور غیر اصلی است نه اصلی، تا بتوان گفت که اختلاف جنسیت موجود موجبی در احراز زنا شده است.

بنابراین چنانچه فرد خنثی آلت مردانگی غیر اصلیش را در فرج زنی داخل نماید زنا محقق نمی‌شود، چرا که در این مورد فرد خنثی ملحق به زن است و فرج، آلت اصلی دو جنسی است و آلت شبیه مردانگی غیر اصلی می‌باشد که دخول با آلت تناسلی غیر اصلی را زنا نمیدانند. چرا که اختلاف جنسیت موجود نمی‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۸۹).

با عنایات به اینکه در افراد دو جنسی حقیقی یا واقعی هر دو آلت ذکوریت و انوئیت هست با استدلال فوق به کار بردن آلت تناسلی اصلی فرد دو جنسی موجبات تحقق زنا خواهد شد. اگر جنس غالب فرد دو جنسی مذکر باشد یا به تعبیر دیگر فرد دو جنسی، خنثی ذکر باشد و آلت مردانگی را در فرج یا دبر زنی دخول کنند در تحقق زنا تردیدی نیست، ولی اگر جنس غالب فرد دو جنسی مونث باشد یا به تعبیر دیگر فرد دو جنسی، خنثی باشد و با آلت شبیه مردانگی در فرج یا قبل زنی دخول کند، تحقق جرم زنا منتفی است. پس اگر طرفین ارتكاب جرم افراد دو جنسی باشند امکان تحقق جرم زنا وجود خواهد داشت، چرا که در پیش نویس لایحه قانونی مجازات اسلامی که ذیلاً با آن اشاره می‌شود به قابلیت تحقق جرم زنا اشاره دارد. (حجتی و باری، ۱۳۸۴؛ ۶۴) بنابراین با توضیحات فوق و تقسیمات مربوط به افراد دو جنسی یا خنثی می‌توان بیان نمود که با تصریح کلی قانون مجازات اسلامی فعلی نیز می‌توان دو جنسی‌ها را به اتهام ارتكاب جرم زنا تحت تعقیب قرار داد.

دومین جرم نیز در حدود می‌توان به لواط و مساحقه (همجنس‌گرایی زن و مرد) اشاره کرد. در جرم لواط و تفخیذ وجود دو طرف لازم است که هر دو می‌بایست مرد باشند عامل عمل را فاعل و طرف مقابل را مفعول می‌نامند. بنابراین اگر یکی مرد و دیگری زن باشد و یا شخص طرف مقابل خنثی باشد عمل لواط محقق نخواهد شد. (البته در قانون مجازات عمومی سابق لواط با آناث نیز قابل تصور بود و در این رابطه رای وحدت رویه ۱۱۸۹ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ وجود داشت اما به دلیل اینکه قانون مذکور منسوخ است بنابراین رای وحدت رویه نیز غیر قابل استناد است.

۲-۲-۲- خنثی به عنوان بزه دیده

در صورتی که جنایتی بر خنثی برود و وی صدمه ببیند و یا جنایت منجر به مرگ خنثی گردد با توجه به دیه زن و مرد که متفاوت است می‌تواند منشأ اثر بوده و قابل تفکیک و بررسی باشد. بنابراین از آنجا که دیه مرد و زن در اعضا تا % برابر است و بعد از آن، دیه زن نصف می‌شود و دیه نفس هم در مورد زن، نصف دیه مرد است دیه خنثی مشکل مورد اختلاف فقهاست.

می‌توان در زمینه حدود و زنا در صورت بزه دیده شدن خنثی به شرح ذیل چالش‌هایی را بیان کرد.

در این خصوص چالشی که ایجاد می‌گردد این است که یکی از مرتکبین خنثی باشد. (یعنی فاعل یا مفعول دو جنسه باشد) در صورت خنثی بودن یکی از محارمی که رفتار زنا را انجام داده اند چه فروضی قابل تصور است. به عبارت دیگر در صورت خنثی بودن یکی از طرفین زنا عنوان زنای با محارم مصداق پیدا می‌کند یا خیر؟ در این زمینه سه فرض متصور است:

نخست اینکه عنوان زنا با محارم صورت می‌گیرد. در این صورت نیز دو فرض قابل تصور است. یا فاعل خنثی است و نوع جنسیتش بر اساس جنسیت غالب مرد بوده و با خواهر، مادر و یا دختر خود آمیزش کند که در این صورت زنا با محارم اتفاق افتاده است. در صورتی که فاعل خنثی با مفعول خنثی که جنسیت غالبش نیز زن می‌باشد، آمیزش کند، باز می‌توان اذعان داشت آنچه ارتکاب پیدا کرده است، زنا با محارم است.

در فرض دوم اینکه پدر، برادر و پسر با یکی از اعضای خانواده خود که دو جنسه است مواجهه کند، اما چنانچه نتوان شخص دو جنسه را به هیچ یک از دو جنسیت مرد و زن ملحق کرد، (خنثی مشکل) می‌توان با استناد به قاعده «درء» (تدرء الحدود بالشبهات) حد جلد که حد خفیف‌تر است جاری کرد. چرا که در این مورد به طور اجمال می‌دانیم که حدی ثابت شده است، زیرا عمل جنسی (دخول) انجام گرفته است و مرتکب هم یا زن است یا مرد اما به صورت تفصیلی نمی‌دانیم کدام حد را جاری کنیم و با توجه به اینکه اصل در حدود بر تخفیف است در این حالت که نمی‌دانیم شخص مرتکب زنا شده است یا لواط ولی می‌دانیم که مرتکب یکی از این دو عمل شده است، با فرض زن بودن او حد کمتر را که حد جلد است در موردش جاری می‌شود. در پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی این پرسش صورت گرفته که: «پرسش: مردی که با یک دو جنسی ارتباط جنسی داشته باشد یا زنی که با یک دو جنسی ارتباط جنسی داشته باشد چه حدی بر آنها جاری می‌شود؟ در پاسخ آمده است: هر حدی که سبکتر است اجرا می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹)

فرض سوم را می‌توان اینگونه عنوان کرد که اگر چه دخول صورت گرفته است، اما مفعول و یا فاعل جنسیتی غیر از رفتار انجام داده داشته‌اند. به عنوان مثال فاعل خنثی اگر چه جنسیت غالبش زن است (به نوعی زن محسوب می‌گردد و آلت مردانه وی عضوی زائد به شمار می‌آید) اما با یکی از اعضای زن خانواده (خواهر و یا مادر) همبستر شده است. در اینجا پرسش این است که رفتار ارتكابی خنثی با عضویت زائدش رفتار مادی ارتكاب جرم زنا محسوب می‌گردد یا خیر؟ در صورتی که رفتار مجرمانه ای صورت نگرفته (به دلیل زائد بودن عضو مزبور) وضعیت و موقعیت مفعول به چه صورت خواهد بود؟ قانونگذار به این مصادیق پاسخ واضحی نداده و تنها در مورد فرضی که جنسیت به صورت مشخص غالب است، تعیین تکلیف نموده است. در مسأله نخست باب زنا در تحریر الوسیله امام خمینی آمده است: «تحقق زناى موجب حد، به این است که انسان آلت اصلی مردانگی اش را در فرج زنی که اصالتاً بر او حرام است داخل نماید، بدون وجود عقد ازدواج دائم یا منقطع و بدون ملک بودن قابله (زنا دهنده) برای فاعل و بدون تحلیل و بدون شبهه، با شرایطی که بیان آن‌ها می‌آید.» در همین کتاب در مسأله دوم آمده: «با داخل نمودن خنثی عورت مردانگی غیر اصلی اش،...زنا تحقق پیدا نمی‌کند.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۸۵) این حکم به صورت کلی صادر گردیده است اما می‌توان با وحدت ملاک در خصوص زنا با محارم و در فرض سوم مورد تعمیم قرار داد و عمل مورد نظر را حداقل در خصوص خنثی مورد نظر زنا تلقی نکرد.

نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد افرادی که هم زمان مذکر و مونث باشند در فقه و فردی که به طور کلی یا جزئی اندام‌های تناسلی مردانه و زنانه داشته باشند در علم پزشکی دو جنسیتی محسوب می‌شوند و حقوقی مانند نکاح، ارث، حدود، شهادت، قصاص و دیات و غیره برای آنها به شکل متفاوتی از افراد وجود دارد. با این حال با توجه به آنچه در متن نیز به کرات بیان شد، خنثی یا دو

جنسیتی ها افراد عادی محسوب می شوند که به لسان برخی فقها دارای عضوی زائد چون انگشتی اضافی هستند. بنابراین آنها نیز دارای حقوقی هستند که برای هر شخص در چارچوب قانون متصور است. با این حال از یک سو با توجه به اینکه دو جنسیتی ها یا تعلق به جنس زن دارند و یا مرد، از سوی دیگر نیز با تفاوت حقوق بین زن و مرد در حقوق ایران به تاسی از فقه بایست مختصات ماهیتی این طیف از نظر جنسیت مشخص گردد. چرا که در یک نگاه ساده وقتی سهم الارث زن نصف مرد است و یا دیه مرد دو برابر زن است، پس تعیین جنسیت خنثی منشأ اثر می باشد.

احکام و آثار فقهی دو جنسیتی ها در زمینه نکاح، ارث، حدود، شهادت، قصاص و دیات مشخص می شود. نتایج حاصل از تحقیق حاصل (در متن اشاره شده است) خنثی را براساس غلبه یا عدم ظهور صفات عارضی وی به دو دسته تقسیم خنثی ظاهر و خنثی مشکل تفکیک می کنند. البته با توجه به فحوای کلام قانونگذار در ماده ۹۳۹ قانون مدنی که خنثی را به خنثی ذکر، انثی و مشکل تفکیک می کند، نمی توان پنداشت این تقسیم بندی به سه دسته تقسیم می گردد. چرا که خنثی ذکر و خنثی انثی حقیقت در خنثی ظاهر و یا غیر مشکل دارد.

به هر حال نتایج نشان می دهد ازدواج خنثی ظاهر و یا غیر مشکل حرمتی نداشته و مشروع می باشد. حتی همانطور که بیان شد نظر بر این است که نه زن و نه مرد هیچ یک حق فسخ در خصوص این موضوع (خنثی بودن طرف عقد) ندارد. با این حال تفکیک و تقسیم به فروضی مثل جهل داشتن و آگاهی داشتن را نیز می توان در این زمینه بیان کرد.

از طرفی حق ارث و وصیت نیز با توجه به جنسیت غالب در نظر گرفته می شود. بنابراین اگر جنسیت غالب مرد باشد، سهم مرد و اگر جنسیت غالب زن، سهم زن را در ارث و وصیت (اگر جنسیت ملاک تقسیم باشد) می برد. در تمامی فروض فوق اگر طرف مورد نظر خنثی مشکل باشد، موضوع چالش برانگیز بوده و در برخی مواقع در صورت عدم توانایی بر تعیین و شناخت، ممکن است نهایت کار به قرعه هم کشیده شود.

در جرائم نیز می توان تصور کرد که مجازات هایی مثل حد، قصاص و دیه را به خنثی تسری داد. این در حالی است که باید به تفکیک فروض تعلق خنثی به جنسیت غالب مورد توجه قرار گیرد. چرا که در جرمی مثل زنا اگر دخول با جنسیتی غیر غالب صورت پذیرد، حتی ممکن است عنوان مجرمانه زنا نیز مطرح نشود. همانطور که ممکن است در بزه دیدگی بر اثر زنا به ویژه زنا با محارم که موضوع به غایت پیچیده شده و مواردی است که قانون دارای خلاء تقنینی گسترده ای بوده و حتی در فقه نیز نمی توان رهیافت روشنی بازیافت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حمزه، (۱۴۰۸)، الوسيله الی نیل الفضيله، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. استفانی گرت، (۱۳۹۶)، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: نشر نی، چ ۱.
۴. آقا خانی، سمیه، (۱۳۹۱)، آثار تغییر جنسیت در روابط مالی زوجین و والدین با فرزندان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
۵. باریکلو، علی رضا، (۱۳۸۲)، وضعیت تغییر جنسیت، فصلنامه اندیشه های حقوق خصوصی (علمی-ترویجی) (پردیس قم دانشگاه تهران)، ش ۵.

۶. باریکلو، علیرضا، (۱۳۸۲)، تغییر جنسیت، اندیشه های حقوقی، سال ۱، ش ۵.
۷. بندریگی، محمد، (۱۳۶۶)، فرهنگ جدید عربی به فارسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسلامی.
۸. جبعی عاملی، زین الدین، شهید ثانی، (۱۳۶۷)، روضه البهیه فی شرح لمعه الدمشقیه، قم: مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۸)، حقوق ارث، چاپ اول، تهران: کتابخانه، گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۰)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم.
۱۲. حائری شاه باغ، علی، (۱۳۸۲)، شرح قانون مدنی جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، چ ۲.
۱۳. دودانگه، زهره، (۱۳۹۵)، جنسیت: ریشه شناسی و معنا، برگرفته از سایت به آدرس: <https://www.hesabfa.com/View/Login>
۱۴. سامانی، احسان، (۱۳۹۰)، احکام ازدواج دو جنسی ها، فصلنامه فقه پزشکی، سال ۳، ش ۷ و ۸.
۱۵. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسین بن علی، (۱۳۸۷)، المبسوط، قم: دار الکتب اسلامی.
۱۶. طوسی، ابی جعفر محمد بن علی، (۱۴۱۵)، الخلاف، النشر الاسلامی، چ ۲.
۱۷. طوسی، محمد بن جعفر، (۱۴۰۷)، تهذیب الحکام، ج ۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۹)، مسالک الافهام الی تفیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی،
۱۹. علی قانع، احمد، محمد پور، اسماعیل، (۱۳۹۸)، اوصاف اختصاصی وصی از دیدگاه مذاهب خمس و حقوق، فصلنامه مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۲، ش ۲۳.
۲۰. عمید، حسن، (۱۳۹۳)، فرهنگ عمید، موسسه انتشارات امیر کبیر: تهران، چ ۲۱.
۲۱. عینی، محسن، البرزی ورکی، مسعود، ملک، امین، (۱۳۹۲)، تکریم حیات و تحولات تقنینی ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۹، ش ۳۳.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، العین، دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت، چ ۴.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد مقری، (۱۴۲۳)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی، ج ۲، چ ۳.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی درسهایی از شفعه، وصیت و ارث، تهران، نشر میزان، چ ۲۱.
۲۵. کریمی نیا، محمد مهدی، (۱۳۸۹)، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، قم: ناشر: دفتر آیت الله شیخ فاضل لنکرانی، چ ۳.
۲۶. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: ناشر: نشر نی، چ ۱۸.
۲۷. مشکینی اردبیلی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، مصطلحات الفقه، قم: نشر الهادی.
۲۸. معین، محمد، (۱۳۹۴)، فرهنگ لغت فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۴۲.

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۹)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، برگرفته از سایت به آدرس: <https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=>

سایت: ۱۳۹۹/۸/۲۶

۳۰. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۷) تحریر الوسیله، علوم اسلامی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد چهارم، ۱۳۶۸.

۳۱. مؤمن، محمد، (۱۳۷۵)، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۷۵ ه. ش.

۳۲. نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۰)، جواهر الکلام (حدود و تعزیرات)، جلد دوم، ترجمه اکبر نایب زاده، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۱.

۳۳. هولمز، مری، (۱۳۸۹)، جنسیت و زندگی روزمره، مترجم: محمدمهدی لیبی، تهران: ناشر: شرکت نشر نقد افکار، چ ۱.

منابع خارجی:

- 1- Kevin L. Nadal, (۲۰۱۷), The SAGE Encyclopedia of Psychology and Gender, John Jay College of Criminal Justice, City University of New York, Graduate Center, City University of New York, USA .
- 2- Skovgaard-petersen, Jakob, (۲۰۱۲), Sex Change in Cairo; Gender and Islamic law; Available Online at: www.umich.edu/journal/vol۲no۳/.sex-in-cairo.html.
- 3- Udry, J. Richard, (۱۹۹۴), "The Nature of Gender" ,Demography. ۳۱(۴): ۵۶۱-۵۷۳. doi: .۲۰۶۱۷۹۰/۱۰.۲۳۰۷